



برای جلوگیری از ایجاد حساسیت و گرفت و گیرهای احتمالی ترجیح می‌دهند که تا در زمان بازگشت در این مورد اطلاع رسانی نکنند. در برخی شهرها شاهد بودم که حرفه‌ای‌های تئاتر آن شهر ترجیح می‌دهند برای شرکت در جشنواره‌های خارجی نمایش تولید کنند تا اینکه بخواهند در جشنواره‌های داخلی شرکت کنند چرا که شرکت در جشنواره‌های داخلی برای آنها نوعی اشباع شدگی به همراه دارد و حتی نیازی به دریافت جایزه از آن حس نمی‌کنند. امروزه با گسترش اینترنت و اینکه جشنواره‌ها از طریق سایت‌های خود فراخوان اعلام می‌کنند بسیاری از گروه‌ها از همین طریق با جشنواره‌ها ارتباط برقرار کرده و در آنجا حضور پیدا می‌کنند. متأسفانه جشنواره مهمی به نام فجر جز چند سال هیچگاه تشکیل بازار تئاتر را جدی نگرفته است تا گروه‌های ایرانی بتوانند با جشنواره‌ها و کمپانی‌های جهانی برای اجراهای عمومی یا شرکت در جشنواره‌های آنها تعامل داشته باشند بنابراین گروه‌ها هم مجبورند و هم ترجیح می‌دهند که به صورت فردی و از طریق سایت‌های جشنواره‌ها با آنها تعامل برقرار کنند.

حسن وارسته:

متولی تئاتر باید استثنا را به جریان تبدیل کند

متأسفانه نه. تلاش‌هایی شده و ما اجراهای خوبی در عرصه بین‌المللی در مقطعی از زمان که تئاتر جایگاهی داشت و به آن پرداخته می‌شد، داشته‌ایم. اما در حال حاضر تئاتر دچار رخوتی شده است که آن بالندگی، زایش و پرورش در آن کم شده و ما دیگر فاقد تئاتر متفکر همسو و هم‌تراز با شاخصه‌های تئاتر بین‌المللی هستیم که یک بخشی از آنها به امکانات برمی‌گردد، بخشی به محتوا و بخشی به حمایت از گروه‌ها و این‌ها همه باعث شده که تئاتر روز به روز هم از جریان فاضل فرهنگی دور شود و هم از مسئولین که انگار کمتر رغبتی به تئاتر دارند و هم مخاطب که می‌بینیم کمتر به سراغ تئاتر می‌آید. تئاتر در همه جای دنیا شاخصه فرهنگی بوده و هست و اینکه تئاتر باید خودش اقتصاد خود را بگرداند باعث شده است که برخی از مولفه‌های تئاتر مانند مؤلفه‌های روشنگری، تفکر و مباحث محتوایی از بین برود و بخشی از آن هم به ماجراهای عدم توازن فرهنگی برمی‌گردد و ما چندین سال است که با تئاترهای روز دنیا و کشورهای صاحب سبک کمتر مراد داریم و اتفاقاتی اگر گاهی در تئاتر می‌افتد بارقه و جرقه است نه یک تداوم و سیاستی که برای آن برنامه‌ریزی شده باشد.

جشنواره تئاتر فجر صرفاً ارائه دهنده یک ویرتین از نمایش‌های کشور که حال در این چند سال بخش بین‌المللی آن هم صرفاً محدود به چند کشور شده نیست. متولیان تئاتر معمولاً باید آثار تئاتری را که در سال گذشته برای آن زحمت کشیده، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کرده‌اند به عنوان محصول یک ساله یا مثلاً سه ساله برنامه‌ریزی خود معرفی کنند. نه اینکه ما جشنواره برگزار کنیم و هنرمند خودجوش با کمترین امکانات بیاورد در استان‌ها به شکل مهجور کار کند و جشنواره هم صرفاً این را در معرض دید مردم و مسئولین قرار بدهد. این اسمش برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری در تئاتر نیست و سال‌هاست که حمایت مادی و معنوی از تئاتر رخت بر بسته است و مسئولین تئاتر حتی در تامین مخارج یومیه خودشان برای گرداندن مکان‌های اداری‌شان مشکل دارند. تئاتر‌ها در بهترین حالت در این وضعیت اقتصادی چقدر می‌توانند روی پای خودشان بایستند؟ شما اگر حمایت مالی و معنوی را از تئاتر بگیری و به تئاتر بگویند که خودت روی پای خودت بایست قطعاً تئاتر از عمق و تفکر به سمت اینکه بخواهد با ترندهایی مخاطب جذب کند حرکت خواهد کرد و این ترندها ممکن است اصولی نباشد مثل جذب بازیگر سلبریتی که هیچ ربطی به تئاتر ندارد یا استفاده از مولفه‌های نمایش‌های تماشاگر پسند. متأسفانه همه این‌ها دست به دست هم می‌دهند و شما شاهد تئاتری نیستید که بتواند به آن ببالد. البته من با استثناها کار ندارم که هم هوششان خوب است هم تئاترهای خوبی می‌سازند اما کار متولی فرهنگی این است که این استثناها را به یک جریان تبدیل کند. یا این جریان در کشور وجود دارد؟ متولی فرهنگی همه چیز را بر عهده هنرمند گذاشته و در کنارش هم آن نظارت‌ها را بر تئاتر اعمال می‌کند و در آخر می‌گوید که سال گذشته ما چنین آثار نمایشی را روی صحنه‌ها داشته‌ایم و این ویرتین آثار ماست. خوب شما نمی‌توانید این آثار را در ویرتین تان عرضه کنید و بگویند که این آثار محصول زحمات شماست البته که تلاش‌هایی می‌شود و ما مسئولین دلسوزی هم داریم اما همه چیز بستگی به حمایت کلان و تعریفش در اعتبار سالانه بودجه دارد. رئیس‌جمهور و مجلس باید بودجه‌ای را برای تئاتر تعیین کنند در همه جای دنیا تئاتر سوسپسید بگیر است چرا که تفکر و اندیشه پرور است به همین دلیل ما شاهد یک سری جشنواره‌هایی با ویرتین‌های بسیار ضعیف یا معمولی هستیم که به جای سیر صعودی سیر نزولی دارند و این باعث می‌شود ما در عرصه بین‌المللی هم نتوانیم کارمان را جلو ببریم.

کشورها همواره مانع یک تعامل جدی بین تئاتر ایران و تئاتر جهان بوده است. یکی از کاستی‌های همیشگی جشنواره تئاتر فجر این بوده که دبیر ثابت نداشته بنابراین در طول سال امکان ارتباط با جشنواره‌ها، کمپانی‌ها، هنرمندان و مدرسین تئاتر در جهان وجود ندارد. به عبارت دیگر اگر کمپانی یا مدرسی علاقه داشته باشد که در فجر حضور داشته باشد نمی‌داند باید با چه کسی ارتباط برقرار کند. تمام جشنواره‌های دنیا مدیریت ثابت دارند. نکته دیگر در این است که جشنواره فجر بیش از هر چیز گردمایی بخشی از تئاترهای ایران است و این جشنواره با وجود ارسال فراخوان در تمام سال‌ها رویکرد مشخصی ندارد. به نظر می‌رسد بیشتر جمع‌بندی انبوه جشنواره‌های موضوعی یا منطقه‌ای در طول سال باشد. بنابراین گروه‌های خارجی نمی‌دانند که این جشنواره خاص پذیرای چه آثاری است. همچنین بی‌ثباتی مدیریت و مشخص نبودن بودجه اختصاص یافته که تا آخرین روزهای جشنواره مشخص نیست باعث می‌شود که دبیر جشنواره امکان تعامل یا چانه زنی با گروه‌های خارجی را برای شرکت در جشنواره نداشته باشد. بی‌توجهی به اینکه آنها به صورت مستمر و در تمام طول سال برای اجراهای عمومی و شرکت در جشنواره‌ها برنامه بلندمدت دارند و امکان اینکه در یک فرصت زمانی کوتاه بتوانند خود را برای حضور در جشنواره تئاتر فجر آماده کنند ندارند. بنابراین هر سال شاهد هستیم که نام‌هایی برای حضور در جشنواره اعلام می‌شوند اما حضور پیدا نمی‌کنند چون هماهنگی با آنها بسیار دیر هنگام صورت می‌گیرد و آنها دچار تداخل در برنامه‌های دیگرشان می‌شوند بنابراین ترجیح می‌دهند در جشنواره شرکت نکنند. به نظر می‌رسد جشنواره فجر نتوانسته از بعد فرهنگی جایگاه خوبی برای تئاتر ایران در بین اهالی تئاتر کشورهای دیگر ایجاد کند. شاید مهم‌ترین عامل بازدارنده این باشد که توسط دولت برگزار می‌شود و با تغییر دولت‌ها و مدیریت‌ها، سیاست‌های ورودی آن تغییر پیدا می‌کند و از آنجایی که گروه‌ها و کمپانی‌های جهانی بی‌توجهی به تغییر دولت‌ها بر برنامه‌های بلندمدت خود را برای تولید تئاتر دارند نمی‌توانند با این تغییرات پی در پی همراه شوند.

با توجه به این موارد همچنان دعوت از گروه‌های ایرانی صورت می‌گیرد. مخصوصاً در سال‌های اخیر این اتفاق زیاد افتاده است و خوشبختانه دعوت‌ها بدون واسطه‌گری دولت انجام شده است. در حال حاضر گروه‌های متنوعی هستند که در جشنواره‌های مختلف در خارج از ایران به اجرای جشنواره می‌پردازند. بسیاری از گروه‌ها

رضا آشفته:

یک جریان ده ساله موفق که رو به افول نهاد

بله موفق بوده است اما جشنواره همواره بنا به سیاست‌های حاکم بر جامعه و در عین حال فضای سیاسی حاکم در جشنواره فراز و نشیب‌های بسیار داشته است. جشنواره از سال ۷۷ تا ۸۷ یک دوره ۱۰ ساله بسیار موفق داشته که هم برای ورود کارهای ممتاز خارجی و هم برای صدور کارهای ایرانی به جشنواره‌های مختلف جهانی اقدامات موثری انجام شد. اما از سال ۸۷ تا به امروز این روال حالت افول به خود گرفته است و شاید عمده‌ترین دلیل آن تحریم‌های پس از سال ۹۱ باشد که تا امروز سال به سال بر شدت آنها افزوده شده است و از آن سو نیز روابط بین‌المللی تئاتر فجر کمرنگ شده است و شاید این خود دلیلی باشد برای اینکه کارها و آثار کمتری به جشنواره‌های بیرون از ایران شناسانده شود.

ما در برهه‌ای توانسته‌ایم از طریق جشنواره فجر آثاری را به کشورهای دیگر بفرستیم که اجرای عمومی به دست بیاورند. در آن سال‌ها مدیرانی که به جشنواره‌های ما می‌آمدند یک سری اجراها و آثار ایرانی را به جشنواره‌های کشورهای خودشان دعوت می‌کردند و یا هفته‌نمایش‌های ایرانی می‌گذاشتند که در ایتالیا و در آلمان هر سال برگزار می‌شد و بسیاری از کارها مثل کارهای امیررضا کوهستانی و آتیلا پسیانی از طریق جشنواره فجر به جشنواره‌های خارجی معرفی شدند. بنابراین خود جشنواره فجر بیشتر معرفی و ورود این آثار به عرصه بین‌المللی بود. گروه‌های خارجی می‌آمدند، کارها را می‌دیدند و همینطور کارهایی اجرامی کردند. این فرصت را داشتند که از کارهایی که خوششان می‌آمد انتخاب کنند و به جشنواره‌های خودشان دعوت کنند که البته به لحاظ اجرای عمومی تا جایی که من اطلاعات دارم آقای امیررضا کوهستانی موفق شدند نمایش‌های خودشان را خارج از ایران اجرای عمومی کنند و حتی به ایشان پیشنهاد شد و در آلمان دعوت به کار شدند تا برای آلمانی‌ها به زبان آلمانی اجرای عموم کار کنند و به جرات ایشان موفق‌ترین چهره بین‌المللی ما بودند.

منوچهر اکبرلو:

جشنواره فجر تشکیل بازار تئاتر را جدی نگرفته است

جشنواره فجر در خارج از مرزها جایگاه جدی نداشته است. چرا که نحوه دعوت، تقابل با مسئله ممیزی و تاثیر روابط سیاسی ایران با دیگر